

و نیز قطعه‌ای در یک سرقع از کتابخانه دانشگاه استانبول با رقم: «کتبه بهرام»

بقلم نیم دودانگ خوش؛

و قطعه‌ای در مجموعه نگارنده بقلم دودانگ و نیم دودانگ خوش با رقم:

«مشقه بهرام الصفوی» .

### (۱۶۵) بهزاد بیک

فرزند سهراب بیک، قورچی شاه عباس دوم و مردی صالح و درویش صفت بود .

شعر می‌گفت و «دوستاق» تخلص می‌کرد . نستعلیق را خوش می‌نوشت . زمان تألیف:

تذکره نصرآبادی «حدود سال ۱۰۸۹» در قید حیات بود .

== بهرام تبریزی

بیانی

== محمد رحیم مهدی

بیدل

== محمد ضیاءالدین

بیک بازاری

== مصطفی صدرالدین

بیک زاده

== شمس

بینی

### پ

== عبدالکریم عوارزی

پادشاه

== خلیل‌الله باخرزی

پادشاه قلم

### (۱۶۶) پارسا

سپهر او را از کاتبان هرات دانسته است و گوید نستعلیق خفی را بس لطیف

نگاشت . شعر می‌گفت و بسال ۹۸ در گذشت .

== میر شیخ نورالدین

پورانی .

== محمد پورانی

پورانی

### (۱۶۷) پیر آگره - شیخ

پدر «موزون» است (که ترجمه احوالش خواهد آمد) . هفت قلم را خوش

می‌نوشت و عبدالقادر بداونی، صاحب منتخب التواریخ، در زمان جهانگیر پادشاه

هندوستان (۱۰۱۴-۱۰۳۷) او را در پشاور دیده است .

### (۱۶۸) پیر حسین

کاتب گمنامی است که در نیمه دوم قرن نهم می‌زیسته و بخط وی دیده‌ام:

مجموعه‌ای مشتمل بر مثنویهای: اسرارنامه - الهی‌نامه - منطق الطیر -

محبیت‌نامه - وصلت‌نامه - مختارنامه شیخ عطار (که اکنون نمیدانم در کجاست)

با رقم و تاریخ: «تمت النسخة الموسومة بمختارنامه من جملة الكتاب المسمی بسنة

الشیخ ... فربد الملة والشريعة والطريقة والحقیقة والدين عطار ... فی تاریخ

عشر اوسط شعبان المعظم سنة ثلاث وتسعين وثمانمائة الهجرية، على يد العبد الضعيف الاقل تراب اقدام الفقراء پير حسين غفر الله ذنوبه . . .» بقلم كتابت خفی متوسط؛ يك نسخه ديوان حافظ بارقم و تاريخ: «تم الديوان افصح الفصحاء . . . شمس الملة والطريقة والحقيقة والدين محمد الشيرازي رحمة الله عليه في تاريخ ثاني عشرين شهر شوال ۸۷۴ ختم بالخير والاقبال، على يد العبد المذنب پير حسين الكاتب غفر ذنوبه» بقلم كتابت خفی متوسط؛

يك نسخه تحفة الغرايب زكريا بن محمد قزويني، بارقم و تاريخ: «اتمام پذيرفت . . . كتاب . . . عجائب المخلوقات در تاريخ عشر اوسط ربيع الثاني سنة سبع وتسعين وثمانمائة على انامل العبد المذنب پير حسين الكاتب غفر الله ذنوبه» در كتابخانه ملي پاریس (؟)، بقلم كتابت خوش.

### (۱۶۹) پير علي جامي

صاحب گلستان هنر، اورا از شاگردان سلطان علي مشهدی دانسته است. بيك احتمال چنانكه خواهد آمد ميتواند فرزند عبد الرحمن جامي باشد. درباره خوشنويسی وی غلو کرده گویند که در دستگاه مير علي شیرنوايي مقامی که عبد الرحمن جامي در فضل و معرفت داشت، پير علي در رتبه کتابت داشت و حتی صاحب مناقب هنروران گوید: حکایت کنند که مير علي هروی چنین گفته است که بهفردات پير علي ازیس تماشا کردم و نظردقت افکندم، چشمم خیره گشت و چندان اشک رشک ریختم که دیده ام تیره شد.

پير علي بسرعت کتابت مشهور بود و سالها در سایه تربیت نوائی مرقه زیسته و این رتبه را در نتیجه توجه و تعلم سلطان علي مشهدی یافته است.

تا سال ۹۳۳ می زیسته و پس از آن معلوم نیست تا چه زمان در قید حیات

بوده است.

### از آثار خطوط وی دیده ام:

يك نسخه ظفرنامه هاتفي، در كتابخانه مدرسه سه سالار، كه بقلم كتابت جلی متوسط نوشته است و اگر رقم كامل نداشت باور نمی کردم كه این كاتب همان باشد كه خط او، چشم مير علي هروی را خیره کرده و این است رقم تمام بانام نشان وی: «كتبه العبد الفقير پير علي الكاتب الجاسي غفر ذنوبه وسترعيوبه. تحريراً في غرفة صفر ختم بالخير والظفر.»؛

نسخه ديگر ظفرنامه هاتفي، بقلم كتابت متوسط، در مجموعه The Walter Art Gallery بارقم «پير علي الجاسي»؛

قطعه ای از مرقع بهرام ميرزا در كتابخانه خزينه اوقاف استانبول، بقلم كتابت خفی خوش، بارقم: «كتبه العبد الفقير پير علي الجاسي غفر ذنوبه»؛

يك نسخه ديوان جامي، بقلم كتابت خوش، بارقم و تاريخ: «كتبه العبد الفقير الحقير پير علي بن عبد الرحمن الجاسي، تجاوز الله عنه، في او اواخر رجب المرجب سنة ۹۳۳ وثلثين و تسعمائة» در كتابخانه فردوسی شهر دوشنبه جمهوری تاجیکستان.

باين قرار معلوم ميشود كه بايد فرزند عبد الرحمن جامي باشد، ولي کسی از مورخان ذکر فرزندى با این نام از جامي معروف نکرده است، شاید که فرزند عبد الرحمن جامي دیگری معاصر جامي شاعر و دانشمند مشهور بوده و ديوان او را امتکتاب کرده باشد.

### (۱۷۰) پير محمد

صاحب مناقب هنروران، ويرا از شاگردان مير علي هروی و صاحب گلستان هنر و خلاصة التواريخ، اورا در زمرة ثلث نويسان، قرين بايسنگر ميرزا آورده، گویند بروش ياقوت نوشت و در شیراز نشوونما کرد. كه بنظر ميرسد آن دو يك كاتب

نباشند و حتی پیرمحمد سومی نوز سراغ دارم که یک نسخه از نسخه نظامی بقلم کتابت نستعلیق متوسط، بخط او در کتابخانه مدرسه سپهسالار است و چنین رقم و تاریخ دارد: «... علی ید افترا العباد پیرمحمد کاتب ولد محمد حافظ، غفر ذنوبه...» بتاریخ اول جمادی الاول سنه ۱۰۰۶ که مشکل بنظر میرسد شاگرد میرعلی بیس از پنجاه سال پس از مرگ وی زیسته باشد و آثار پیرمحمد، شاگرد میرعلی، دیده ام: یک نسخه ظفرنامه هاتفی، بقلم کتابت متوسط، با رقم: «کته العبد الفقیر پیرمحمد الکاتب» که برای فروش، عرضه شده بود؛ یک قطعه بقلم سه دانگ جلی متوسط، با رقم: «مشقه العبد پیرمحمد» در درمقی از کتابخانه دانشگاه استانبول.

ت

تجربید = محمد شریف

## تجمل حسین خان (۱۷۱)

فرزند تفضل حسین خان کشمیری و شاگرد حافظ ابراهیم و پدرش حافظ نورالله است. هنگامی که تفضل حسین خان از لکنه به کلکته مهاجرت کرد، وی در لکنه ماند و مقیم شد و با مشغول کتابت وجه معاش فراهم کرد. ظاهراً کتاب «جنان الفردوس» تاریخی که میرزا محمد یوسف، تألیف کرده و ناتمام مانده بود، تجمل حسین خان، با تمام رسانیده است. وفاتش را سال ۱۲۴۴ ضبط کرده اند.

از آثار خطوط وی دیده ام:

دو قطعه بقلم سه دانگ و دو دانگ و کتابت خوش در سوزه باستان شناسی دهلی، قطعه ای، در ضمن یک مرقع، از کتابخانه بادلیان، که از روی یک عریضه عبدالرشید دیلمی، نقل کرده و خوش نوشته است.

تجسین = محمد عطا حسین خان

ترا با = ابوقرباب اصفهانی

## تقی - میرزا (۱۷۲)

نواده آقا شاه علی است که در اوایل جلوس شاه عباس بزرگ مستوفی الممالک بود. خود وی از منشیان مقرر بود و شعری گفت و نستعلیق را خوش می نوشت و در این خط شاگرد میرعماد بود. میرزا سنگلاخ گوید که خود وی سمت مستوفی الممالک را داشت و او عم میرزا یحیی اصفهانی خوشنویس بود. مدتی وزارت لاهیجان